

یکم اردیبهشت ماه  
بزرگداشت استاد سخن  
سعدی شیرازی



بهار ۱۴۰۰

با آینده شغلی رشته زبان شناسی آشنا شوید

اولین نشریه علمی



مهاجبه با دکتر ماندانا نوربخش

داستان کیومرث به قلم محمدهادی



## فهرست مطالب

سخن سردبیر.....	۱
معرفی، رشته زبان شناسی.....	۲
آینده شغلی، رشته زبان شناسی.....	۳
گفت و گو.....	۴
داستان خواستگاری.....	۱۲
زبان و جامعه.....	۱۵
استاد سخن.....	۲۱
علی محمد حق شناس.....	۲۵
داستان کیومرث.....	۲۷



**سخن سردبیر**

## **"به نام خدا"**

شاید ناگزیرترین آغاز هر نشریه، کلام نخست باشد  
مخصوصا اگر اولین شماره و معرفی هویت  
و نمایانگر راه پیش روی آن نشریه باشد.  
نام نشریه را «سخن» نهادیم تا سخنی نو بگوییم  
و هربار حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشیم.  
در «سخن» علاوه بر اینکه به دنبال جستن دانش هستیم،  
سعی کردیم به مواردی بپردازیم که شیرین و جذاب  
برای تمام دوستان نازنینی باشد  
که مطالب این نشریه را دنبال می‌کنند.  
دیگر رسالت ما در این راه،  
حمایت از تمام نوقلمان عرصه‌ی شعر و داستان است  
که به گویش و زبان مادری می‌نویسند و می‌سرایند.  
داستان‌های شیرین شاهنامه را  
با لهجه‌های مختلف سرزمین مان پیوند زدیم  
تا هم شاهکار بزرگ استادمان فردوسی  
و هم لهجه‌های عسل مانند ایران‌مان را بشناسیم.  
از همه بزرگوارانی که ما را در این راه همراهی و حمایت کرده  
و دلگرمی‌مان دادند، سپاس مندیم.  
امید است تا انتها یار و یاور ما باشید.

فاطمه اولیا

# معرفی رشته زبان شناسی

زبان‌شناسی؛ علم مطالعه تمامی جنبه‌های زبان بشر است.  
از میان بیش از ۶۰۰۰ زبان دنیا،  
بیشتر آن‌ها هرگز به درستی توصیف، مطالعه و حتی نوشته نشده‌اند.  
بسیاری از این زبان‌ها در ۵۰ سال آینده از روی کره خاکی محو خواهند شد.  
مستندسازی این زبان‌ها به دلایل بسیاری اهمیت دارد،  
که یکی از آن‌ها اشتیاق بشر برای پاسخ به یک پرسش اساسی است:  
- چرا و از چه جهاتی زبان‌های دنیا با هم شباهت دارند؟  
- چرا و از چه جهاتی آن‌ها با هم متفاوتند؟  
زبان‌شناسی بررسی می‌کند که چگونه زبان‌ها  
این امکان را فراروی گویشوران قرار می‌دهند  
تا عقاید و احساساتشان را به یکدیگر منتقل کنند؟  
چطور سبک‌ها و گونه‌های مختلف زبانی پدید می‌آیند؟  
و چطور مردم آن‌ها را در ارتباطات روزمره خود به کار می‌گیرند؟  
حال چه در موقعیتی غیررسمی (اُصَب تا شب جون می‌کنی،  
آخرشم هیشکی نی یه دست دَر نَگنه خشک و خالی بگه)  
و چه در بافتی رسمی (از بام تا شام عرق بریز اما دریغ از یک قدردانی ناچیز!)  
مردم دارای دانش زبانی عظیم،  
پیچیده و بسیار سازمان یافته‌ای هستند؛  
با این وجود، تقریباً تمامی این دانش به صورت ناخودآگاه است.  
گیریم تا افکار خود  
این همان دانشی است که به کار می‌گیریم  
تا افکار خود را به زنجیر کلام درکشیم و آنچه دیگران  
به ما می‌گویند را دریابیم.



# آینده‌ی شغلی این رشته

فارغ التحصیلان بسته به حوزه‌ی زبان‌شناسی که در آن کار و مطالعه کرده، پایان‌نامه و مقاله نوشته‌اند تخصص در هر یک از رشته‌های نحو، صرف، منظورشناسی، آواشناسی، واج‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان و سایر رشته‌های مربوطه پیدا خواهند کرد.

فارغ التحصیلان گرایش آموزش فارسی به غیر فارسی زبانان (آزفا) همان‌طور که از اسمش پیداست می‌توانند در آموزش فارسی به غیر فارسی زبانان صاحب تخصص شوند. بسته به حوزه‌ی فعالیت دوران تحصیل و اشتغال می‌توانند به عنوان استاد دانشگاه، پژوهشگر زبانی و مستندساز زبانی (که خود نوعی پژوهشگر است)، اشتغال در فرهنگستان زبان فارسی، شرکت‌های تبلیغاتی برای تنظیم شعار، کار در نشریات مختلف به عنوان ویراستار و مشاور، همچنین کار در کلینیک‌های گفتار درمانی، اشتغال در فرهنگستان زبان فارسی و... مشغول فعالیت شوند.

و نیز در حوزه‌ی تبلیغات و نام‌گذاری برای دستگاه‌ها و محصولات تازه ابداع شده و هر زمینه‌ای که به نحوی با دانش زبان‌شناختی ارتباط پیدا کند یا با جنبه‌های زبان‌شناختی در ارتباط باشد می‌توانند فعالیت کنند.

چون تعداد معدودی حوصله‌ی مطالعه و ادامه این حوزه را دارند و فقط علاقه است که می‌تواند آنها را نگه دارد، بازار شغلی مناسبی دارد و رقابتی حس نمی‌شود و از لحاظ درآمدی می‌توان قیمت‌های هنگفتی بابت این امور دریافت کرد.

گردآورنده: رقیه باقری





گفت و گو با دکتر ماندانا نوربخش

متخصص آواشناسی فیزیکی،

عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا و مجری طراح

نرم افزار "تشخیص و غربالگری بیماری کووید ۱۹"

ا.د.ر زهرا شما مطالعات بین رشته‌ای

زیادی دیده می‌شود لطفاً درباره جایگاه آواشناسی

در شاخه‌های بین رشته‌ای مثل

آواشناسی حقوقی و فرهنگی و بالینی توضیح بدهید.

\_ از نظر من زبان‌شناسی علمی است که تقریباً با اکثریت علوم شناخته شده

به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در ارتباط است.

هر جا انسان حضور دارد ارتباط انسانی و زبان نیز مطرح است.

گفتار به عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباطی انسان و مطالعه آن یعنی

علم آواشناسی نیز از همین امر تبعیت می‌کند.

مطالعات آوایی به این ترتیب در بسیاری از موارد علوم

دیگری مانند علوم رایانه‌ای، علوم قضائی، علوم اجتماعی،

روانشناسی، فیزیک، موسیقی و مطالعات بالینی را همراهی کرده

و علاوه بر باز کردن دریچه‌های جدید و کاملاً علمی

در بعضی از این علوم در بسیاری موارد

به عنوان اساس و پایه‌ای برای بسیاری از جنبه‌های کاربردی

جای خود را باز می‌کند.

همکاری‌هایی که من در دوران کاری خودم با گروه‌های

گفتار درمانی و رایانه‌ای داشته‌ام

علاوه بر جنبه‌های تولید علم در بسیاری موارد

به نتایج کاربردی نیز منتهی شده است.

به همین شکل مطالعات مربوط به آواشناسی قضائی



که در حال حاضر تمرکز آن بیشتر در دانشگاه الزهرا قرار گرفته است می‌تواند باب جدیدی از همکاری‌های میان رشته‌ای در ایران به شمار آید. از این نظر آواشناسی به ویژه آواشناسی آزمایشگاهی قابلیت بسیار زیادی برای انجام مطالعات بین رشته‌ای دارد و همان‌طور که خودتان اشاره کردید در رزومه من هم این امر کاملاً مشهود است.

## ۲. چگونه میشود آواشناسی را اشاعه داد در مجامع علمی؟

— علمی که سودمند باشد خودش راه خود را در جوامع علمی باز می‌کند ولی نقش متخصصان نیز در تسریع این امر بسیار مهم است. انجام مطالعات کاربردی و بین رشته‌ای، برگزاری کارگاه، سخنرانی، همایش و مانند آن می‌تواند از این نظر تا حدی کمک کننده باشد. اما چیزی که از نظر من مهم‌تر از این عوامل است از یک سو برقراری ارتباط با متخصصان سایر حوزه‌ها و تعامل سازنده برای شناسایی این علم و از سوی دیگر ارتباط با جامعه است. بویژه دانشجویان با کسب دانش کافی و استفاده از آن در مورد آخر نقش پررنگی را بازی می‌کنند. به عنوان مثال برخی از دانشجویان این رشته به تدریس زبان مشغولند و استفاده از آواشناسی در آموزش علمی تلفظ و نشان دادن نقش پر رنگ آن در تسریع یادگیری می‌تواند در شناسایی این علم نقش داشته باشد.



## ۳. دانستن کامل آواشناسی چقدر به زبان شناس کمک می‌کند؟

آواشناسی در سایر مطالعات زبانی نقش مهمی دارد. علاوه بر واج شناسی که مستقیماً با آواشناسی در ارتباط است مطالعات صرفی، نحوی، معنایی و گفتاری و حتی میان رشته ای هایی چون زبان شناسی اجتماعی و روانشناسی زبان با این حوزه ارتباط دارند. به عنوان مثال نقش تکیه واژگانی در تشخیص کلمه مرکب و همچنین نقش آن در تفاوت وند و واژه بست یا نقش آهنگ در یک مسئله کاملاً نحوی مانند پرسشی یا خبری بودن جمله و تفاوت های معنایی-کاربرشناختی که الگوهای متفاوت آهنگ ایجاد می‌کنند از آن جمله‌اند.

در بسیاری از مطالعات که هیچگونه ارتباط موضوعی با آواشناسی ندارند مثل بررسی یک صورت صرفی یا نحوی در یک گونه زبانی نیز پژوهشگر حداقل مجبور به ارائه آوانویسی یا واج نویسی صورتی خواهد بود که در حال بررسی آن است. به هر حال به نظر می‌رسد دانستن آواشناسی می‌تواند در سایر مطالعات زبانی نیز تا حد زیادی راه گشا و کمک کننده باشد.

## ۴. این روزها همه شگفت زده از طراحی

نرم افزار غربالگری بیماری کووید ۱۹ هستند.

آیده این طرح از چه زمانی و چگونه به ذهنتان رسید؟



این ایده از همان اولین روزهای شروع پاندمی در اسفندماه 1398 شکل گرفت و پس از کامل شدن تیم پژوهشی و مطالعات اولیه در اواسط اردیبهشت 1399 طرح آن برای صندوق حمایت از پژوهشگران ارسال شد.

من و سایر همکارانم در این پروژه خانم دکتر مارال آسیایی، آقای دکتر امیرواحیدیان عظیمی، آقای عبدالصمد کرامت‌فر و آقای سید شهاب آتشی همگی در طول سال گذشته روزها و ساعتها برای این پروژه وقت گذاشتیم و خوشبختانه تلاشهای شبانه روزی ما نتیجه بخش بود.

اساس این ایده بر این موضوع استوار است که دستگاه تنفسی انسان همان دستگاه گفتاری است و هر گونه آسیب و تغییر در دستگاه تنفسی در امواج صوتی حاصل از گفتار تظاهر می‌یابد.

بیماری کوید 19 نیز عمدتاً یک بیماری تنفسی شناخته می‌شود که علائم تنفسی مانند تنگی نفس، سرفه های خشک، گلودرد و در مواردی آبریزش بینی در کنار سایر علائم غیر تنفسی مانند تب، خستگی، درد قفسه سینه و اسهال و استفراغ در افراد مبتلا مشاهده می‌شود. سرفه های خشک مکرر و مواد اسیدی استفراغ باعث آسیب و تغییر در عملکرد تارآواها می‌شود و این امر باعث ایجاد تفاوت در صدای افراد می‌شود.

تفاوت‌هایی که در برخی موارد با گوش قابل تشخیص نیست ولی اندازه گیری‌های دقیق آکوستیکی و به کارگیری مدل‌های هوش مصنوعی می‌تواند احتمال وجود یا عدم وجود علائم تنفسی در افراد را نشان دهد.



## ۵. این نرم افزار چگونه اینقدر دقیق تغییرات صدا را تشخیص می دهد و شخص مبتلا به کووید را شناسایی می کند؟

همانطور که در پاسخ به سوال قبل گفتیم هر کدام از آسیب ها و تغییراتی که در اثر بیماری در عملکرد اندام های دستگاه گفتار روی می دهد باعث تغییر در امواج صوتی می شوند. در این نرم افزار بیست و پنج پارامتر صوت شناختی به کار گرفته شده است که هر کدام به نوعی عملکرد دستگاه گفتار را نشان می دهند. به عنوان مثلا آسیب به حنجره موجب بروز انواع بی نظمی در جریان ارتعاش تارآواها می شود که این امر توسط یازده پارامتر صوت شناختی در نرم افزار بررسی می شود. البته لازم است یادآوری کنم که این نرم افزار تشخیصی نیست و همانند تب سنج که برای غربالگری افراد سالم به کار می رود و نداشتن درجه حرارت بالا را به عنوان یکی از شاخص های سلامت در نظر می گیرد وجود یا عدم وجود علائم تنفسی را نشان می دهد. در بسیاری موارد اشخاص مبتلا تب ندارند ولی علائم تنفسی حتی به صورت خفیف در صدایشان تظاهر میابد. با استفاده از این نرم افزار می توان از سلامت دستگاه تنفسی افراد اطمینان حاصل کرد و از سوی دیگر وجود علائم تنفسی را یک هشدار برای اتخاذ تصمیمات بهداشتی و مراجعه به مراکز درمانی تلقی کرد.



## ۶. درصد موفقیت تشخیص کووید توسط این نرم افزار چقدر است؟

خروجی های مدل هوش مصنوعی به کار گرفته شده در این نرم افزار  
صحتی حدود نود درصد را نشان می دهند که مطمئناً  
با دریافت داده های بیشتر و ارتقاء نرم افزار  
در آینده نزدیک این درصد افزایش خواهد یافت.

## ۷. آیا در سایر کشورها چنین ایده ای انجام شده؟ اگر بله آیا موفق بوده اند؟

در بررسی هایی که انجام دادیم متوجه شدیم  
که همزمان با ما حداقل سه یا چهار مرکز علمی بزرگ در جهان  
پروژه های مشابهی را آغاز کرده بودند که می توان  
به دستاوردهای دانشگاه های ام آی تی، کمبریج اشاره کرد.  
گویا گروهی از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی و صنعتی شریف  
نیز با مهندسی معکوس نرم افزار دانشگاه ام آی تی را  
به فارسی ترجمه کرده اند.

این نرم افزار ها نیز با توجه به مقاله های چاپ شده  
موفقیت آمیز بوده اند اما نرم افزار ما نسبت به آنها مزیت هایی دارد  
که در مقاله آتی که انشاء الله به زودی چاپ خواهد شد  
به این مزیت ها اشاره کرده ایم.



## ۸. برخی از دانشجویان نسبت به رشته‌ی زبان‌شناسی ناامید هستند. آینده‌ی رشته‌ی زبان‌شناسی را چگونه می‌بینید؟

این ناامیدی خاص دانشجویان زبان‌شناسی نیست و در بسیاری از دانشجویان برخی دیگر از رشته‌های علوم انسانی مانند تاریخ و فلسفه و حتی دانشجویان غیرکاربردی سایر علوم هم مشاهده می‌شود.

کاملاً واضح است که زبان‌شناسی مانند حسابداری یا حقوق نیست که افراد بتوانند مستقیماً از مهارتی که کسب کرده‌اند شغلی به دست آورند یا به وکالت یا مشاوره حقوقی مشغول شوند.

اما نسبت به برخی دیگر از رشته‌های غیرکاربردی مزیت‌هایی هم دارد و آینده شغلی یا علمی آن تا حدودی به خلاقیت و تلاش افراد بستگی دارد.

همانطور که پیشتر گفتیم زبان‌شناسی و آواشناسی می‌توانند کاربردهای زیادی داشته باشند و وظیفه افراد این رشته است که کاربردهای آن را به جامعه بشناسانند و بقبولانند.

در بسیاری از حوزه‌ها مانند تبلیغات، ویرایش، آموزش زبان، فرهنگ‌نویسی، کارشناسی امور قضائی، رایانه و بسیاری جنبه‌های دیگر میشود از دانش زبان‌شناسی بهره برد ولی در خیلی موارد جا افتادن آن در جامعه تلاش فردی و جمع بسیاری را می‌طلبد.

آینده این رشته به تلاش و دانش زبان‌شناسان آن وابسته است. واضح است که یک جامعه ناامید، کم تلاش و خسته نمی‌تواند آینده روشنی را برای آن رقم بزند.

پس بهتر است به جای ناامیدی آستین‌ها را بالا بزنیم و خود را ثابت کنیم. من همیشه ترجیح می‌دهم به جای گله از دیگران و شکایت از وضع موجود برای تغییر آن تلاش کنم. یکی از راه‌هایی که برای این تغییر پیمودم



اضافه کردن یک رشته کاربردی به مجموع رشته های حوزه زبانشناسی بود. برای تهیه و تصویب سرفصل رشته زبانشناسی قضائی که بعد نامش را به زبانشناسی حقوقی تغییر دادند همراه خانم دکتر آسیایی نزدیک به چهار سال وقت صرف کردیم. فارغ التحصیلان چنین گرایشهایی می توانند علاوه بر کسب دانش زبانشناسی دانش کافی برای یکی از کاربردهای مهم این رشته را نیز کسب کنند. در پایان مایلم از انجمن علمی زبان شناسی دانشگاه ولی عصر تشکر کنم و برای شما و مخاطباتان آرزوی تندرستی و موفقیت داشته باشم.

**با تشکر از دکتر نوربخش گرامی و  
با آرزوی سلامتی و موفقیت های بیشتر برای این بانوی بزرگوار**

# خواستگاری



چارزانو نیشسته بودم. مغزوها اتو تخمای عید جمع می کردم.

دیدم درخونه رو زدن.

مادرم گفت:

مُشتبی وُخی درِ وا گن.

منم از اوجه ای که طبق معمول حالی نداشتم،

از ای گوش شنیدم و از اون گوش به در کردم.

دیدم خودش آجا بلند شد و لغتی زد

و زیرِ بشغرم و به سمت در رفت. کنترل تلویزیون وُرداشتم

همه شبکارو زیرورو کردم برنامه خوبی نداشت.

تلویزیون خاموش کردم رفتم جلو در اتاق و ایستادم.

دیدم مادرم خوشالو داره میاد به سمت من.

گفتم: چیشده؟

گفت: برو اوسین، وِشیت میگم.

مادرم گفت: این مندلی پسر عباس دِکون دار،

از سمیه ما خوشش اومده.

دیدم سمیه از تو آشپزخونه نیقاش وا شد.

منم که رگ غیرتم زد بالا اخمام کشیدم توهم؛

گفتم: غلط کرده مردِکه پلشت

مادرم خندید و گفت: قینوس نگو،

بل اونا بیاین بعد تو بگو غلط کرده.

حاله ول کن من خُو اینا رو رزا دارم باید

وُرهَم بگردین ایجا رو تمیز و پذیرایی خوبی آشون بکنیم.

فعلا تو بلند شا برو یخورد ماست وُرمایه شیر بخر

میخیم ماست دُوندیم.

ما هم وُرخزیدیم یه مُشتو تخمه ای وُرداشتم

رفتم مایه شیر بستونم. حالی نداشتم راه دوری

برم دیگه رفتم پیش عباس دِکون دار.



## خواستگاری



همطو وارد شدم هری دلم ریخت.  
قللم تالاپ تلوپ میزد. جوری میزد انگار می خواست  
ا جا کنده بشه. فاطی شون دیدم فک کنم آیشش خوشم اومد.  
نه اصن فک کنم عاشقش شدم. دست پام گم کرده بودم.  
یدفعه گفتم: شما کی میانین خاستگاری من؟  
دیدم چشماش در آورد.  
گفتم: عه ببخشید آغ مندلی کی میاد خاستگاری من؟  
خندید.  
قشنگ آبروریزی کردم. چکیدم از مغازه وُ لرد.  
همطو عرق شرم می ریختم  
را نمی بردم دیگه چطو از جلوشون در بیام.  
رسیدم توخونه  
مادرم گفت: مشتبها کو ماستا؟  
اون موقع یادم اومد که وُ رچی تو مغازه رفته بودم.  
گفتم: ننا ول کن بگو خاستگارا سمیه کی میانین ؟  
گفت: پشبا  
گفتم: عه فاطی شونم هست؟  
دیدم دمپایی زُ فرشی وُ رداشت زد توسرم.  
گفت: خجالت بکش بچه پرو  
منم یه چشمکی وُ ر مادرم زدم و خندیدم و داد زدم  
ننا پسرت عاشق فاطی شده و چکیدم رو خونه.



میخیم: میخواهم	اوجه‌ای: آنجا
ورچی: برای چی	ورداشتم: برداشتم
آشش: از آن	شغز: لگن
آتو: از داخل	خوشالو: خوشحال
مغزو: مغز بادام زمینی	اوسین: آن طرف
وُخی: بلندشو	وشت: به تو
واکن: بازکن	نیقاش: لبخند
	قینوس: حرف اضافه
	رورزا: رودربایستی
	ورهم بگردیم: عجله کنیم
	اشون: از آنها
	دکون‌دار: مغازه‌دار
	مشتبی: مجتبی
	ولرد: بیرون
	پسبا: پس فردا
	جکیدم: پریدم
	را نمی‌بردم: نمی‌دانستم
	رو خونه: حیاط خونه



# زبان و جامعه

صدیقه زینلی دستوئی  
دکتری زبان‌شناسی همگانی،  
دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان

جامعه و متغیرهای اجتماعی میتوانند اثر زیادی بر نحوه صحبت کردن،  
کلام افراد و کاربرد زبان داشته باشند.

بقول سایپر (1933) بررسی نقش زبان بسیار دشوار است  
چرا که زبان بشدت در کل رفتار انسان ریشه دارد.  
درحقیقت، تجربه شخصی افراد منبع غنی اطلاعات  
درباره زبان در ارتباط با جامعه است.

در مبحث زبان و جامعه، مواردی همچون جنسیت،  
سن، شغل، موقعیت اجتماعی، موقعیت اقتصادی، محل زندگی  
و فرهنگ افراد مورد توجه زیادی قرار داشته اند.

علم بررسی زبان در ارتباط با جامعه زبان‌شناسی اجتماعی نام دارد  
و با زبان به عنوان پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی سروکار دارد.  
این شاخه از زبان‌شناسی با علومى همچون جامعه‌شناسی،  
ارتباطات انسانی و رسانه‌ای، روان‌شناسی اجتماعی،  
جغرافیای انسانی و مردم‌شناسی ارتباط تنگاتنگی دارد.  
سرآغاز مطالعات زبان و جامعه (زبان‌شناسی اجتماعی)  
به اواسط قرن هجدهم بازمی‌گردد،  
اگرچه قبل از آن نویسندگانی بودند



که درباره چگونگی تاثیر عوامل اجتماعی مرتبط با کاربرد زبان همانند مرتبه اجتماعی، حرفه، جنسیت و سن مواردی را ذکر کرده بودند. به یقین میتوان گفت پدر علم نوین زبانشناسی، فردینان دوسوسور (1857-1913) زبان را به عنوان رفتاری اجتماعی محسوب میکرد. با وجود این، روش مناسبی برای بررسی عوامل اجتماعی در کاربرد زبان تا چندین دهه بعد از ظهور ساختگرایی سوسور وجود نداشت.

در اوایل دهه 1960 تعدادی از زبانشناسان در آمریکا بررسی کاربرد زبان انگلیسی را در آمریکا از نقطه نظر مسائل اجتماعی آغاز کردند. پس از آن، مطالب بسیاری در این حوزه در آمریکا و سپس اروپا به چاپ رسید. توسعه زبانشناسی اجتماعی با فعالیت زبانشناسی آمریکایی و بریتانیایی در اوایل دهه 1960 صورت گرفت. پیشگام این فعالیتها را باید ویلیام لباو دانست که به هنگام بررسی انگلیسی نیویورک که در 1966 منتشر شد، به نتایج جدید بسیاری درباره تنوع زبانی و تغییر زبانی دست یافت.



لِباو ادعا کرد که نظام ساختاری زبان امروز  
و تغییرات زبانی گذشته را میتوان در ارتباط با یکدیگر بررسی نمود.  
همچنین، او تاکید کرد که تغییرات زبانی را میتوان  
در پیشرفت تنوع گونه‌های زبانی امروز مشاهده نمود.  
علاوه بر این، لِباو معتقد بود گردآوری داده‌ها باید  
به روشی معتبر صورت پذیرد.  
او عقیده داشت زبان‌شناس باید بداند یک سری ویژگی‌ها همانند سبک،  
میزان توجه و میزان رسمیت در گفتار گویشوران  
به هنگام مصاحبه متغیر خواهد بود.  
این مسائل به مواردی همچون ماهیت مصاحبه، مکان آن  
و روش برخورد گویشوران به مصاحبه کننده ارتباط دارد.  
برای حل این مشکل لِباو پیشنهاد کرد از روشی استفاده کنیم  
که در آن گویشوران متوجه ضبط صدایشان  
به هنگام صحبت کردن نشوند.  
مساله بررسی زبان در جوامع کوچک و بزرگ مساله‌ای مهم  
در زبان‌شناسی اجتماعی است.  
جوامع مختلف زبانی را میتوان به لحاظ جغرافیای تقسیم بندی  
و بررسی نمود یا اینکه به لحاظ کاربرد لهجه‌ها،  
گویشها و گونه‌های زبانی متفاوت تقسیم بندی‌های متفاوتی  
انجام داد که در هر صورت این بررسی‌ها  
در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی قرار خواهند گرفت.  
گویشهای منطقه‌ای، ایزوگلاسها، مرزهای گویشی،  
پیوستار گویشی مواردی هستند  
که در بررسی متغیرهای اجتماعی زبان مورد توجه قرار میگیرند.



زمانی که در یک منطقه وسیع همانند یک کشور  
با مجموعه‌ای از گونه‌های زبانی مختلف روبه‌رو میشویم  
پای بحث طرح‌ریزی زبانی به میان می‌آید.  
یعنی هنگامی که دولت، سازمان‌های قانونی  
و تحصیلی باید تصمیم بگیرند کدام گونه یا گونه‌های زبانی  
گفتاری در یک کشور را باید برای مشاغل رسمی استفاده نمود.  
زبان انتخاب شده ممکن است زبانی نباشد  
که اکثر افراد جامعه از آن استفاده می‌کنند.  
مثلاً در اسرائیل علیرغم اینکه عبری زبان مورد استفاده  
توسط اکثر افراد جامعه نبود،  
آن را به عنوان زبان رسمی انتخاب کردند.  
زبان رسمی انتخاب شده در کشورها از آن پس  
زبان معیار آن کشور خواهد بود.  
این زبان در کتابها، رسانه‌های جمعی، در مقالات علمی و فنی  
و به عنوان زبان علم و تحصیل استفاده میشود.  
در برخی از کشورها، ممکن است گونه‌ای از زبان  
به عنوان زبان معیار انتخاب گردد که هیچ گویشور بومی ندارد.  
به این گونه‌های زبانی پیجین گفته میشود.  
یعنی، گونه‌ای از زبان که برای مقاصد خاص و عملی.



همانند تجارت در میان مردمی بکار میرود  
که روابط زیادی با هم دارند اما با زبان یکدیگر آشنایی ندارند.  
پیچین‌ها میتوانند فراتر از نقش اصلی خود  
که تجارت یا زبان ارتباطی است، بکار روند  
و خود اولین زبان یک جامعه شوند.  
در اینصورت گویشور بومی دارند و به آنها کریول گفته میشود.  
در مطالعات فرهنگی زبان در حوزه زبانشناسی اجتماعی،  
فرضیه نسبیت زبانی ساپیر وورف که در اواسط قرن بیستم مطرح شد،  
از اهمیت بالایی برخوردار است.  
ساپیر وورف پس از بررسی زبانهای هندی آمریکایی،  
به این نتیجه رسیدند که زبان گویشوران بومی آمریکایی،  
همانند هوپی، در مقایسه با زبان اروپایی‌زبانان باعث میشود  
که آنان جهان را از دید دیگری نگاه کنند.  
مثلاً، در زبان هوپی تمایز بین جاندار و غیرجاندار وجود دارد  
و "ابر" و "سنگ" از جمله مواردی هستند که جاندار محسوب میشوند.  
وورف ادعا کرد که این زبان هوپیهاست که موجب میشوند  
آنها ابر و سنگ جاندار در نظر بگیرند.  
فرضیه نسبیت زبانی ساپیر وورف همچنان موافقان و مخالفان  
خود را دارد. برخی موافق ادعای آنها هستند و برخی به شدت  
با آن مخالفت میکنند.



**دو موضوع مهم دیگر و مورد توجه زبان‌شناسان اجتماعی**

**مساله مرگ زبان و احیای زبان است.**

**زمانیکه تحت شرایط خاصی کاربرد یک زبان رو به زوال میرود،**

**میتوان از اصطلاح مرگ زبان سخن گفت.**

**چیزی که مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است،**

**خود واقعیت مرگ زبان نیست بلکه مراحل است که زبان‌ها**

**طی آن به مرحله نهایی مرگ یک زبان میرسند.**

**اما گاهی میتوان شرایطی را فراهم نمود تا زبانی که مرده را**

**احیا و دوباره از ان استفاده نمود.**

**مثلا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم،**

**عبری نو از عبری کلاسیک شکل گرفت که یک زبان نوشتاری است.**

**در کنار این دو، موضوع دیگری که مورد توجه قرار گرفته است،**

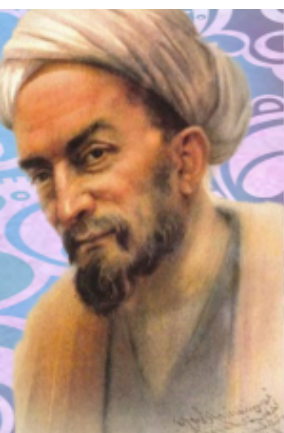
**مساله حفظ زبانهاست، یعنی دولتها تلاش میکنند**

**با کمک موسسه‌های رسمی خاص زبان خود را**

**حفظ و از زوال و تغییر آن جلوگیری کنند.**



اول اردیبهشت ماه  
 بزرگداشت استاد سخن  
 صدی شیرازی  
 کرامی باد



بنام خدایی که جان آفرید	سخن گفتن اندر زبان آفرید
خداوند بخشوده و سنگبر	کریم خلافتش پادش پدیر
پرستارش همه چیز و کس	بی آدم و مرغ و مورد و کس
یکی دلبه سر بر بند تاج بخت	یکی دلبه خاک اندر آرد ز تخت
گه گمان کند آتش بر غلبل	گروهی بر آتش برود ز آب نیل
به درگاه لطف و بزرگیش بر	بزرگان نهاده بزرگی ز سر
جهان مستحق برالاستش	فروانده از گناه استش
بشماردای جلالتش نیافت	بصر متهمای جلالتش نیافت
تال و آینه دل کنی	صنای بدیع حاصل کنی
حال است که صدی راه صفا	توان رفت جز بر پی مصطفی



با کمی تفکر و تأمل در این شعر به وضوح میتوان  
توانایی بالای شاعر در توصیف آفریدگار جهان هستی  
را درک کرد؛ توصیفی که برای هر انسانی قابل فهم است،  
حتی کودکی که تازه شروع به آموختن کرده هم  
برداشتی ساده اما صحیح میتواند داشته باشد،  
و این گونه شعر گفتن فقط از دست  
استاد سخن سعدی کار ساز است.

به مناسبت یک اردیبهشت بزرگداشت شیخ اجل سعدی  
تصمیم بر آن داشتیم که نگاهی بر زندگی این بزرگ داشته باشیم.  
ابو محمد مُشرفالدین مُصلِح بن عبدالله بن مشرف متخلص  
به سعدی شاعر و نویسنده بزرگ قرن ۷ هجری قمری است،  
که شهرتی فرامرزی دارد.

وی به عبارتی در سال ۶۰۶ در شیراز چشم به جهان گشود.  
کودکی وی در بحبوحه حمله مغول به ایران گذشت  
هر چند سعدی در فارس دور از این جنگ و خونریزی باقی ماند.  
این وضعیت پیریشان سعدی تصمیم به ترک شیراز گرفت،  
او پس از ترک شیراز، هسپار بغداد شد  
تا در آنجا تحصیلات خود را ارتقا دهد.

سعدی در بغداد در مدرسه نظامیه زیر نظر اساتیدی چون  
سبط بن جوزی و شهاب الدین سهروردی تعلیم دید.



پس از حصول علم در بغداد شغل واعظی را  
برای خود انتخاب کرد.

بر اساس نوع شغل او به مناطق مختلف سفر و به ارشاد  
و ارائه سخرانی میپردازد، گفته میشود در شهرهای دمشق،  
شام و بعلبک به موعظه مشغول بوده است.  
مسلم است که سعدی به حجاز، شام و آسیای صغیر سفر کرده است.  
با این حال نشانه‌هایی از سفر به هندوستان، ترکستان،  
غزنین، آذربایجان، فلسطین، چین، یمن و آفریقای شمالی هم  
در سروده‌های وی یافت میشود.  
اما باید در نظر داشت بعضی از این سفرها میتواند  
خیال پردازی وی در سروده‌هایش باشد.  
به قولی از خود سعدی سفرهای او ۳۰ سال به درازا می‌کشد  
و در سال ۶۵۵ به شیراز زادگاه خود باز میگردد.  
در راه بازگشت به ذهنش خطور میکند  
«سخنهای شیرینتر از قند به سوغات آورد»  
پس کتاب بوستان را در همان سال بازگشت مینویسد  
و تقدیم به حاکم شیراز میکند.  
پس از این موضوع سعدی دچار نوعی افسردگی میشود  
که در اشعار وی نمایان است.  
وی در دوران افسردگی بر این باور بوده که  
عمر خود را به بطلالت گذرانده و به پاییز عمر خود رسیده است.



اما همیشه از ثمرات دوست خوب شنیده‌ایم  
در فصل از زندگی سعدی هم چنین دوستانی حضور دارند  
که باعث تشویق و ارتقای روحی سعدی برای نوشتن کتابی جدید میشوند.  
سعدی در یک اردیبهشت سال ۶۵۶ یعنی کمتر از یک سال  
پس از نگارش بوستان شروع به نوشتن و نگارش گلستان میکند  
و کمتر از ۷ ماه آن را به پایان می‌آورد.  
برای تمامی اساتید حال حاضر جهان واضح و مبرهن است  
که نوشتن دو اثر به بزرگی بوستان و گلستان در کمتر از ۲ سال  
معجزه‌ای بسی بزرگ است.  
و در آخر ماجرا سعدی پس از عمری طولانی  
و خدماتی بسیار به فارسی و فارسی‌زبانان  
دار فانی را در سال ۶۹۰ وداع گفت.  
خدمات ویژه سعدی به زبان فارسی برگسی پوشیده نیست  
به طوری که سخن سعدی به زبان امروزی فارسی  
بسیار تا بسیار نزدیک است  
بنیاد سعدی‌شناسی ایران به پاس تقدیر و ماندگاری نام سعدی  
در ایران و جهان در سال ۱۳۸۱ روز یک اردیبهشت  
که تاریخ شروع گلستان و به روایتی زادروز خود سعدی است  
را به نام روز سعدی نام گذاری کرد.

سعدی مرد گونا نام نبرد هرگز  
مردم آن است که نامش به نگویی نبرند

گردآورنده: زهرا سیف‌الدینی





## **"به مناسبت یازدهمین سالگرد درگذشت استاد عزیزمان علی محمد حق شناس"**

او زبان شناس، فرهنگ نویس و شاعر ایرانی،  
استاد گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران،  
مؤلف و مترجم آثار متعددی در زمینه ادبیات، زبان شناسی،  
تاریخ زبان شناسی و فرهنگ های انگلیسی به فارسی بود.  
او از اعضای شورای بازنگری در شیوه نگارش و خط فارسی بود.  
علی محمد حق شناس در سال 1319 در خانواده ای مذهبی  
از بیت آیت الله حق شناس در جهرم به دنیا آمد.  
وی تا پایان نهم قدیم در جهرم گذراند  
و دیپلم ادبی را از دبیرستان نمازی شیراز اخذ کرد.  
حق شناس از دانشسرای عالی تهران (دانشگاه تربیت معلم)  
در رشته زبان و ادبیات فارسی لیسانس گرفت؛  
بعد از آن عازم انگلستان شد و از دانشگاه لندن  
در رشته زبان شناسی و آواشناسی همگانی دکترا گرفت.  
وی در سال 1352 به ایران آمد.  
نخست در دانشگاه ملی (دانشگاه شهید بهشتی)  
و بعد در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت.





## **\* علی محمد حق شناس \***

**حق شناس متخصص زبان شناسی و آواشناسی بود  
و به ادبیات و مسائل نظری ادبی تعلق خاطر بسیار داشت.  
وی در هر دو زمینه یاد شده می خواند و می نوشت.  
آواشناسی، بازگشت دیالکتیک، بودا، تاریخ مختصر زبان شناسی،  
تولستوی، مان به روایت، مان نویسان،  
زبان (دو اثر ترجمه ای از آثار بلومفیلد و سایپر)  
فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی، مقالات ادبی - زبان شناختی  
و وطن فروش از آثار تألیفی و ترجمه ای وی محسوب می شود.  
کتاب "فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی" وی  
که با همکاری دکتر حسین سامعی و نرگس انتخابی  
در سال 1380 تألیف شد در بیستمین دوره انتخاب  
کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد.  
استاد حق شناس از نوجوانی شعر می سروده و  
در اشعارش تخلص حق شناس برگزیده بود.  
علی محمد حق شناس 10 اردیبهشت سال 1389  
به علت بیماری در بیمارستان درگذشت.  
روحشان شاد و یادشان جاویدان.**

گردآورنده: زینب انجم شعاع



## کیومرث

### (داستان کیومرث شاهنامه به لهجه یزدی)

مِگن که پادشاهی علاوه تر بود گفش خلیا موخوندن،  
برای خودش گف کاری بنا کده بود تختی ام هشته بود  
اوجا که از پایین کوه مردم رد میشدنم خش میشد ببینیش.  
کیومرث خاطری دانش و هنری که توی چنّته‌ی داشت  
تونست به پادشاهی برسه و از پیر تا جوون خاطری رفاهی  
که برا اونوکا پسا کده بود ازش تشکر مکدن.  
او برا مردمش مگف که خوردنی و پوشیدنیاشون  
پسا گنن که تا اُوخ کسی ایچون چیزی ندیده بود  
و سی سالم پادشاهی گد.  
او یتا پُسر وک جوون و عاقلم داشت که عین پیرش بود  
و پیرش همیشه جوش پُسره مزد که از دستش بره.  
او در این جهان دشمنی نداشت غیر اهریمن  
که از رشک همیشه تو فکر ای بودن پادشاهی  
این بنده خدا رو در هم افکنه.  
اهریمن هم یتا پُسر داشت عین یتا گرگ تِکو پاره  
و آماده جنگ بود.  
اهریمن و پُسرش سپاه گردن کلفتی تدارک دیده بودن،  
همه هم یه مُشت دیو و شیاطین.





ایهند اوهد خبر کدن تا  
به گوش سیامک برسدو  
اون تحریک کنه برا جنگ و آ اونورم  
پسرش فرمان داد  
و به سمت تخت و گف و کار کیومرث  
حمله کدن.  
کیومرث فکرش نمکد ک تو این دنیا و  
ای همه گف و کار کسی باشه که نتونه اونو ببینه  
و با خیال راحت داشت زندگی مکد.  
همو طور که اهریمن موخاس خبر گوش سیامک رسید  
سیامکم سفیل جنگ مرافه بود و  
سپاهش همراه خود کد رفت به جنگ با دیوان.  
اوختا هنو زره و اینا نبود. سیامک ماشالاش باشه  
کم نیورد لباسی آ پوست پلنگ پسا مکند تن مکند  
یاعلی مره به جنگ دیوان.  
سیامک بدون تجهیزات جنگی به جنگ با لشکر دیوان رفت  
و سپاهش از پشت او را همراهی مکدن و  
سپاه دیوان سر صدایی رو کده بودن.  
به طرزی که دل هرکسی رو ملرزوند تا اینکه دوتا سپاه  
رو به رو هم قرار گرفتند.  
اهریمن هی نعره مکشیڈ مبارز می طلبید و سیامک  
یه تنه مقابل او واسید، با لباس پلنگی و سینه برهنه  
رفت جلو، دیو ضربه محکمی به سیامک زد و اون نقش زمین شد.  
دیوک بدجنس پلشت با چنگال جگرگاه پهلوان را درید و  
در اینجا بود که سیامک کشته شد و سپاه بدون فرمانده شکست خورد.





وقتی پادشاه فهمید که  
گل پسرش گشته شده انگاری گل دنیا  
رو گلش خراب شد.  
یهوکی شروع گریه و زاری کرد  
و همه از پیر تا جوون جوونده و خزنده  
سمت کوه حرکت کردن و تا  
یک سال اونجا عزاداری کردن.  
بعد از یک سال فرمانی از سمت خدا اومد  
بسه دبه وخی، سپاهی پسا کن و یتا گردن کلفتی  
پیدا کن و اون دیوک پلشت رو از بین ببر و کینه رو هم از دلت بکن  
چه ثمر اینجوری گریه و زاری می کنی؟  
اوخ بود که شاه جهان فمید چه صلاحه و  
شروع به ستایش خداوند کرد و برای اجرای فرمان ایزد  
ثانیه ها طلا شمارد و وقت تلف نمکد. آقا سیامک یتا پسر وک داشت  
به نام هوشنگ.  
هوشنگ رو صدا زد و گف بیا ایجا بیشین کاریت درم.  
هرچی گف و کار و فن و فوت بود بار این بچوک کرد  
و بعد گف سپاه پسا مکم تو فرمانده باش. من آپشت هادرتم  
و ایچون به میدان نبرد رفتن.  
دیو گنده و پلشت و سیاه جلو او تا ایستاد.  
دو لشکر به سمت یک دیگر حمله کردن.  
دیو ها از تعداد زیاد سپاه خسته شده بودن. هوشنگ سر دیو رو،  
نزد کیومرث برد و جلو پای او انداخت.  
ایچون بود که جنگ به پیروزی ختم شد و دلش خُش شد و  
بعد چندی به دیار باقی رف اما نام نیک از او باقی ماند و نوه اش  
هوشنگ پادشاه شد.





**علاوه تر = با عظمت**

**چنته = داشته ها**

**اونو کا = ضمیر اشاره (آن ها)**

**پسا = آماده کردن / آماده شدن**

**اوخ = آن زمان / بعدش**

**ایهد اوهد = اطراف**

**سفیل = الاف کردن**

**اوختا = آن روزها**

**گف و کار = پیشرفت داشتن**

**یتا = یکی**

**کد = کرد**

**خش = خوب**

**پسر = پسر**

**وخی = بلند شو**

**بچوک = پسرک**

**"محمد حسین جدیدی"**



